



بین المللی

حالا دیدید حق با افشین قطبی بود؟! حالا دیدید او راست می گفت؟! حالا باور کردید بازیکنان ما بین المللی هستند؟! نه خیر منظورم نتایج تیم ملی در جام ملت های آسیا نبود. نه بابا، جذب چند بازیکن ایرانی توسط چند باشگاه خارجی هم نیست. بعد از این که جناب قطبی در کنفرانس های قبل و بعد از بازی ها مثل بلبل و بلکه بهتر، انگلیسی صحبت کرد و خبرنگاران ایرانی بینوا را در خماری گذاشت، بازیکنان تیم ملی هم از او تبعیت کرده و شروع کردند پاسخ خبرنگاران را خارجگی دادن. بیچاره خبرنگاران ایرانی که به امید چند تا هم زبان راهی دیار غربت شده بودند.

توجیه، تفسیر و چیزهای دیگر!

این که کشورهایی مثل اردن، گرام، نپال و شبیه این ها که اصلاً نمی دانند توپ فوتبال چند ضلعی است و در کنفدراسیون فوتبال آسیا صاحب کرسی شدند، دلیلی بر بی اهمیت بودن، تشریفاتی بودن، چندان مهم نبودن و «حیف وقت که صرف این ها کردن» بودن کنفدراسیون آسیا و انتخاباتش است و بار دیگر بر درستی تصمیم جناب سعیدلو مبنی بر رأی نیاوردن و انتخاب نشدن شان صحنه می گذارد! م.دلداریان



توپولوف یا بوئینگ؛ مسئله این نیست...

حادثه دلخراش سقوط بوئینگ ارومیه - تهران به جز تلخی هایی که داشت، نکاتی را هم روشن کرد. یکی از آن نکات این بود که تا قبل از این حادثه مشکل سقوط هواپیمای را به نوع آن ها یعنی توپولوف و قدیمی بودن آن یا ناسازگار بودن با آب و هوای کشورمان می دانستیم. ولی با سقوط این هواپیما از نوع بوئینگ ثابت شد همه مشکل توپولوف و بوئینگ نیست بلکه...

ما هم مخالفیم

با این که جناب تیغ و قیچی محترم، مجله ما را از هر گونه مخالفت بر حذر داشته و تهدید نموده در صورت مخالفت، با ایشان طرفیم؛ ولی در این یک مورد نتوانستیم مخالفت خودمان را در مورد تشکیل وزارت جوانان و ورزش ابراز نکنیم. آن هم به چند دلیل:

۱. سازمانی (منظورمان سازمان ملی جوانان است) که به رئیس سابقش به گفته آقای «الف.م» ده بار تقاضای برداشته شدن کرده بود و رئیس هم به محض شنیدن خبر انتصابش کارش به «آی سی یو» کشید، اگر به وزارتخانه تبدیل شود چه فایده ای رخ می دهد.

۲. سازمانی (منظورمان تربیت بدنی است) که به اندازه مشتی نپال و گرام رأی نمی آورد و یکی کرسی هایش را در فدراسیون های جهانی و کنفدراسیون های آسیا از دست می دهد می خواهد، وزارتخانه بشود که چی؟

۳. یکی (که یادمان نیست خودش اسمش فاش شود یا ما اسمش را فراموش کردیم) گفته با وزارتخانه شدن ورزش، شبهه دولتی شدن آن (به ویژه فوتبال که فیفا مخالف دخالت دولت ها در آن است) بیش تر می شود. البته ما فکر کنیم از این دولتی تر یعنی این که اگر باشگاه ها مشکل گلزنی پیدا کردند وزیر وارد زمین شود و برای آن ها گلزنی هم بکند!

۴. نکته آخر این که عنوان وزارت جوانان و ورزش عنوانی غلط انداز است. با این اسم که جوانان را کنار ورزش قرار دادند همه حواس جوانان به ورزش معطوف می شود. آن وقت حواس شان از مسائل دیگر مثل ازدواج، مسکن، کار، تحصیل ... پرت می شود. آن وقت معلوم نیست تکلیف مسئولین مربوطه با این همه مسکن و شغل ایجاد شده و کلاس های خالی و زمینه های آماده شده برای ازدواج که روی دست شان مانده چه می شود؟

شما قضاوت کنید

ما بر این اعتقادیم که ملت مسلمان تونس به این بلوغ و قدرت رسیدند که علیه دیکتاتور حاکم بر کشورشان قیام کنند، او را از کشورشان بیرون کنند و تلاش کنند سرنوشت خود را به دست گیرند. اما غربی ها در آن طرف عالم برای این که قیام ملت تونس را منحرف کرده و از سرایت آن به دیگر کشورهای اسلامی جلوگیری کنند انواع اتهامات را از جمله هدایت از خارج، تحت تأثیر ایران بودن، افراطی گری اسلامی و... به این انقلاب می زنند. گرچه نظر ما همان است که در ابتدا گفتیم، ولی به فرض که این گفته غربی ها و بازمانده های دیکتاتوری سابق و حکومت های مرتجع هم درست باشد، شما قضاوت کنید حاصل دخالت های اندیشه های ناب انقلاب اسلامی در تونس سرنوشتی دیکتاتوری و تشکیل حکومت وحدت ملی بوده و در چند قدم آن طرف تر، حاصل دخالت آمریکا اسرائیل و غربی ها، تجزیه و دو شقه شدن کشور اسلامی سودان و هموار شدن راه چپاول ثروت ملی آن جا بود. کدامیک از دخالت ها برای نجات و سعادت ملت ها بود؟





تقدیر به مناسبت ترافیک زایی!

حتما در خبرها متوجه شدید که در مراسم «تقدیر جهانی پایتخت‌ها» در واشنگتن که با حضور ۵۰۰ نفر از مدیران شهری، شهردارها و اساتید سراسر جهان برگزار شد، تهران خودمان به همراه گوانگژوی چین، لیمای پرو، لیون مکزیک و... به عنوان یکی از شهرهای برتر جهان در حوزه حمل و نقل پایدار معرفی شد. با توجه به مشکلات عدیده ترافیکی تهران، آلودگی هوا، متروی همیشه مشکل‌دار تهران، شبکه حمل و نقل عمومی و... انتخاب بجای و درایت‌مندانه (!) شهرداری تهران را به عنوان یکی از چندین و چند شهرداری برتر از لحاظ شبکه حمل و نقل پایدار، تبریک عرض نموده و همچنین تسلیت عرض خواهیم کرد به کشورهایی همچون آلمان، کانادا، استرالیا، ژاپن و... که باید عدم وجود معضل شدید ترافیکی پایتختشان را بگذارند در کوزه و آتش را بخورند و یک کمی هم از ایران یاد بگیرند!

فرا تراز تیر

■ تولید نان بدون آرد در کشور. روزنامه حزب...
۸۹/۹/۱۴

■ ویکی لیکس صدها سند محرمانه درباره اسرائیل را منتشر می‌کنیم.

■ جلالی: نمی‌توانم بگویم این فوتبال چقدر کثیف است.

■ مشایی: منتقدین همایش ایرانیان خارج از کشور آدم‌های کوچکی هستند.

■ انصاری‌فرد (مدیرعامل باشگاه راه‌آهن): آقای کرکندی از ما طلب دارد و باید پول او را پرداخت کنیم، ضمن این‌که مخالف تشکیل وزارت ورزش هستیم. خراسان ۸۹/۱۰/۱۹

■ آرامستان... تا ۱۵۰ سال پاسخگوی نیاز... [آن‌جا] است. ۱۹ دی

■ تکدی‌گری و سیگارفروشی، ارمغان چاقوی چینی برای هنرمندان زنجان. جمهوری اسلامی ۱۴ آذر

■ چینی‌ها «هُوُو» را با نام «فراز» به ایران می‌فروشد.

■ لعنت به کسی که اره‌برقی را اختراع کرد تا جنگل‌ها تخریب شود. ما هم موافقیم در ضمن به اعتقاد ما لعنت بر برخی مخترعان و مکتشفان دیگر هم باید باشد. از جمله:

لعنت بر کسی که چاقو را اختراع کرد تا انگشت دست‌مان بریده شود.

لعنت بر کسی که چراغ قوه را اختراع کرد تا دزد با آن به خانه‌ها بیاید و دزدی کند.

لعنت بر کسی که برق را اختراع کرد تا مردم را بگیرد و ول نکند.

لعنت بر کسی که آجر را انتخاب کرد تا بخورد توی سر این و آن و بشکند.

لعنت بر کسی که...



شباهت فیلم‌های آبکی ایرانی و فوتبال عربی

عجب عنوان جذاب و میخکوب کننده‌ای است!

چه می‌کند این ستون‌نویس رویداد آشنا!

خب برای این‌که زیاد توی خماری نمانید توضیح می‌دهیم:

حتما بازی فوتبال عرب‌ها را دیده‌اید؟

اگر ندیده‌اید زیاد ضرر نکرده‌اید چون اصلاً جذاب نیست. فقط کافی است به طور اتفاقی یک گل از رقیب جلو بیفتند. حتی اگر دقیقه اول بازی باشد وقت تلف کردن آن‌ها شروع می‌شود.

به هر بهانه‌ای - حتی وزیدن باد - به زمین می‌افتند و شروع می‌کنند به پیچ و تاب خوردن و آه و ناله کردن و تا حداقل نیم‌ساعت حتی جرثقیل هم نمی‌تواند آن‌ها را از زمین بکند! که چی؟ حداقل ۳۰ ثانیه هم شده وقت بازی را تلف کنند.

حکایت بعضی فیلم‌های سیمای فخمه هم مثل فوتبال عرب‌هاست... به خاطر این‌که یک دقیقه بیش‌تر فیلم را کش بدهند و صئار ده‌شاهی بیش‌تر بگیرند، چه کارها که نمی‌کنند.

برای مثال خانه‌ای که آیفون و در بازکن تصویری دارد وقتی زنگ در به صدا درمی‌آید، صاحبخانه لخلخ کنان طول اتاق را می‌پیماید در اتاق را باز می‌کند، وارد حیاط می‌شود، حوض را دور می‌زند، جلوی در می‌رود، دو سه بار می‌پرسد کیه؟ تا آن طرف جواب بدهد و...

همه این‌ها هم در جلوی دوربین و روی مخ میلیون‌ها بیننده تلویزیون که هیچ گناهی نکرده‌اند، جز این‌که وقت طلایشان را گذاشته‌اند تلویزیون نگاه می‌کنند.